



ارتباط بين زبان فارسی و زبان زازایی بر اساس فهرست موريس سوادش

DR. NİHAT DEĞİRMENCI *

Öz

Dilbilimin önemli çalışma alanlarından biri de diller arasındaki ilişkidir. İki dil arasındaki akrabalık ilişkisi ve bunun mahiyeti karşılaştırmalı dilbilim çalışmalarının temel alanlarından biridir. Köken olarak akrabalık ilişkisi bulunan iki dilin birbirinden ayrılma süreci, tarihsel dilbilim çalışmalarında ilgi çekici bir konu olmuştur. Dil tarihlemesi çalışmaları da tarihsel dilbilim ve dil karşılaştırmaları kapsamında yapılan incelemelerdir.

Dil karşılaştırmaları ve iki dilin tarihsel ilişkisi konusundaki çalışmalarında Amerikalı dilbilimci Morris Swadesh dilden kolayca ayrılmayan bir temel kelime listesi oluşturmuştur. Swadesh, 1955 yılında yayınladığı listesindeki kelimelerin belirli zaman diliminde bir kısmının kaybolacağını dilin bu listedeki kelimelerden sadece bir kısmını koruyacağını ileri sürmüştür. Buna göre ortak kökene sahip iki dil zaman içerisinde değişime uğrayacak ortak kelime sayıları azalacaktır. Böylece listedeki kelimelerden ortak kökene sahip olanların sayısına göre, dillerin birbirinden ayrılış tarihlerini tahmin etmek mümkün olacaktır. Lexicostatic dating olarak isimlendirdiği bu yöntemle bir formül geliştirmiş ve bu formül yardımıyla ortak sözcük sayısını kullanarak diller arasındaki tarihsel ilişki hakkında sonuca ulaşabileceğini ileri sürmüştür.

* DR. NİHAT DEĞİRMENCI, İstanbul Üniversitesi, Doğu Dilleri ve Edebiyatları Bölümü, Fars Dili ve Edebiyatı Anabilim Dalı Öğretim Üyesi. Email: nihat.degirmenci@istanbul.edu.tr.

Bu çalışmada İranî diller grubu üyesi olan Farsça ve Zazaca arasındaki ilişki Morris Swadesh'in listesi çerçevesinde incelenecektir.

Anahtar Kelimeler: Tarihsel Dilbilim, Farsça, Zazaca, Swadesh Listesi, Dil Tarihlemesi.

ABSTRACT

One of the important areas of study of linguistics is the relationship between languages. The kinship relationship between the two languages and its nature is one of the main areas of comparative linguistics studies. The process of separating two languages, which have a kinship relation as their origin, has become an interesting subject in historical linguistic studies. Studies on language linguistics are also examinations made within the context of historical linguistics and language comparisons.

In the work on language comparisons and the historical relationship between the two languages, the American linguist Morris Swadesh has created a basic vocabulary list that is not easily separated from the background. Swadesh argued that the words on his list, published in 1955, would preserve only some of the words of this list, saying that a certain portion of the time would be lost. Accordingly, the two languages with common roots will reduce the number of common words that will change over time. Thus, according to the number of common roots in the list, it will be possible to estimate the departure dates of the languages. Lexicostatistic developed a formula with this method called dating and he proposed that with the help of this formula the number of common words can be used to reach a conclusion about the historical relationship between languages.

In this study the relationship between Persian and Zaza, will be examined in the context of Morris Swadesh's list.

Keywords: Historical linguistics, Persian, Zaza, Swadesh List, language history.

چکیده

یکی از حوزه‌های مهم در زمینه تحقیقات زبانی، بررسی رابطه بین زبان‌هاست. بررسی خویشاوندی بین دو زبان و چند و چون این خویشاوندی از موضوع‌های اصلی زبانشناسی

تطبیقی و فرایند جدا شدن دو زبانِ خویشاوند از یکدیگر، موضوع مورد علاقه در مطالعه زبان شناسی تاریخی است. تعیین تاریخ زبان نیز در حوزه مطالعات زبان شناسی تاریخی و مقایسه زبان‌ها می‌گنجد.

در زمینه مقایسه دو زبان و رابطه تاریخی آنها فهرستی از کلمات پایه‌ای که به‌آسانی زبان را ترک نمی‌کنند، توسط زبان شناس آمریکایی موریس سوادش (Morrish Swadesh) ارائه شده است. او می‌گوید: تنها بخشی از واژه‌هایی که در این لیست (سال ۱۹۵۵) آمده، با مرور زمان از بین می‌روند و بقیه در زبان باقی می‌مانند. بنابراین دو زبان هم‌ریشه، در طول زمان دچار تغییر می‌شوند و واژه‌های پایه مشترک موجود بین آنها رفته رفته کاهش می‌یابد. بر این اساس و با توجه به تعداد واژه‌های مشترک در لیست مذکور، می‌توان تاریخ جدا شدن آن زبان‌ها را از یکدیگر تعیین کرد. او با استفاده از این روش که نام آن را Lexicostatistic گذاشته بود، فرمولی اختراع و ادعا کرد که با کمک آن فرمول می‌توان درباره رابطه تاریخی بین دو زبان به نتایج ارزشمندی دست یافت.

در این پژوهش، دو زبان ایرانی، یعنی فارسی و زازایی را بر اساس لیست مذکور بررسی کرده‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که این دو زبان نزدیک به ۱۰۰۰ سال پیش از یکدیگر جدا شده‌اند.

کلمات کلیدی: زبان زازایی، زبان فارسی، زبان شناسی تاریخی، فهرست سوادش

۱. مقدمه

زبان «زازایی» یکی از شاخه‌های زبان‌های ایرانی است. تاکنون درباره زمان جدا شدن این زبان از دیگر شاخه‌های زبان‌های ایرانی تحقیقی صورت نگرفته است. مسئله ما در این مقاله یافتن زمان این تفکیک است. برای این منظور از نظریه معروف «موریس سوادش» استفاده کرده‌ایم.

شبهات‌های بسیار زیادی که در بین زبان زازایی و زبان فارسی وجود دارد، این فرضیه را در ذهن نگارنده تقویت کرده است که این دو زبان در گذشته نه چندان دور با هم بوده‌اند و زمان زیادی از جدا شدن آنها نگذشته است.

سوادش برای تخمین زمان جدایی دو زبان از یکدیگر فهرستی از واژه‌ها تهیه کرده است که به همین نام یعنی «فهرست سوادش» معروف است. سوادش فهرستی از واژه‌هایی را ارائه کرده است که از دید او معمولاً در همهٔ زبان‌ها عمر درازی دارند و به‌آسانی از بین نمی‌روند. او یک بار دویست واژه و بار دیگر صد واژه برای این منظور انتخاب کرد. او می‌گوید: هر زبانی ممکن است در هر پانصد سال تنها بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از این واژه‌ها را از دست بدهد. برای این کار جدول زیر را تهیه کرده است که بر اساس فرمولی خاص، از روی تعداد واژه‌های مشترک بین دو زبان، زمان جدایی آنها از یک دیگر را تخمین می‌زند. هر چه تعداد واژه‌های مشترک بین دو زبان بیشتر باشد زمان جدایی آنها کم‌تر و هر چه تعداد واژه‌های مشترک بین دو زبان کمتر باشد، زمان جدایی آنها نیز بیشتر خواهد بود. برای مثال، اگر تعداد واژه‌های مشترک بین دو زبان ۶۰ کلمه باشد، زمان جدایی آنها ۱۶۹۰ سال پیش خواهد بود. سوادش برای فراهم ساختن این جدول از فرمول‌ها و محاسبه‌های دقیق بسیاری استفاده کرده است که به دلیل تخصصی بودن و مورد نیاز نبودن از ذکر آنها در این مقاله خودداری نموده‌ایم و تنها به ارائهٔ این جدول بسنده کرده‌ایم.^۱

C	MC	C	MC	C	MC	C	MC	C	MC
100	0,0	80	7,4	60	16,9	40	30,3	20	56,6
99	0,3	79	7,8	59	17,5	39	31,2	19	60,0
98	0,7	78	8,2	58	18,0	38	32,1	18	63,6
97	1,0	77	8,6	57	18,6	37	33,0	17	67,4
96	1,4	76	9,1	56	19,2	36	33,8	16	71,4
95	1,7	75	9,5	55	19,8	35	34,8	15	75,6
94	2,1	74	10,0	54	20,4	34	35,7	14	80,2
93	2,4	73	10,4	53	21,0	33	36,7	13	85,2
92	2,7	72	10,9	52	21,7	32	37,7	12	90,4
91	3,1	71	11,3	51	22,3	31	38,8	11	96,2
90	3,5	70	11,8	50	22,9	30	39,9	10	102,6
89	3,9	69	12,3	49	23,6	29	41,0	9	109,4
88	4,2	68	12,8	48	24,3	28	42,2	8	117,2
87	4,6	67	13,3	47	25,0	27	43,3	7	126,2

^۱ Morris Swadesh, *The Origin and Diversification of Language*, London, Routledge&Kegan Paul, 1972, p.284

86	5,0	66	13,8	46	25,7	26	44,6	6	136,4
85	5,4	65	14,3	45	26,3	25	45,9	5	148,4
84	5,8	64	14,9	44	27,2	24	47,3	4	163,2
83	6,1	63	15,3	43	27,9	23	48,7	3	182,2
82	6,5	62	15,8	42	28,7	22	50,2	2	209,2
81	7,0	61	16,4	41	29,5	21	53,4	1	255,0

• C نشان‌دهنده درصد واژه‌های مشترک در بین دو زبانی است که با هم مقایسه می‌شوند.

• Mc نشان‌دهنده زمان جدایی دو زبان از یکدیگر و واحد آن صد سال است. مثلاً عدد ۳/۱ نشان می‌دهد که دو زبان ۳۱۰ سال پیش از یکدیگر جدا شده‌اند.

در این تحقیق برای بررسی بیشتر مشترکات دو زبان زازایی و فارسی و ارائه دادن نمونه‌های بیشتری از زبان زازایی که معمولاً در ایران تحقیق زیادی درباره آن صورت نگرفته است، فهرست ۲۰۷ واژه‌ای او را پایه قرار داده ایم. برای هر کدام از واژه‌ها نمونه‌های رایج در زبان زازایی را انتخاب کرده‌ایم و سپس معادل فارسی آن را در برابر آن نوشته‌ایم تا مقایسه آنها برای همه خوانندگان ممکن باشد. لیست سوادش را بر اساس نوع دستوری کلمات تقسیم کرده‌ایم و واژه‌های هر نوع را در جدول‌های جداگانه‌ای آورده‌ایم و برای هر نوع نیز دو جدول تهیه کرده‌ایم. جدول کلمات مشترک و جدول کلماتی که مشترک نیستند. در میان کلماتی که ما آنها را جزو کلمات متفاوت محسوب کرده‌ایم، کلماتی هستند که ریشه واحدی دارند، اما به دلیل تغییرات زیادی که در طول زمان پیدا کرده‌اند از دید صوری متفاوت جلوه می‌کنند. ما در این تحقیق این قبیل کلمات را جزو کلمات متفاوت آوردیم و تنها صورت فعلی کلمات را مد نظر قرار دادیم.

زبان زازایی فقط در بخشی از شرق کشور ترکیه کاربرد دارد. تعداد سخن‌گویان این زبان دقیق معلوم نیست. آن را از یک تا سه میلیون ذکر می‌کنند. کاربران این زبان بیشتر در شرق ترکیه در شهرهای بین‌گل، تونجلی، الازیغ، اورفا، دیاربکر، سیواس، بیتلیس، آدی یامان، ارزنجان زندگی می‌کنند، اما تعداد زیادی از آنها به بخش‌های دیگر ترکیه و کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. نخستین تحقیقات علمی درباره این زبان به اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد. درباره این زبان به صورت پراکنده تحقیقاتی صورت گرفته است. بر اساس این تحقیقات زبان زازایی جزو زبان‌های شمال غربی ایرانی است. تا بیست سال

اخیر هیچ اثر مکتوبی جز چند شعر درباره پیغمبر اکرم به این زبان وجود نداشته است و همین امر تحقیق و پژوهش درباره این زبان را بسیار دشوار کرده است. از این رو این مقاله می تواند گامی در بررسی و پژوهش درباره این زبان در ایران به شمار آید.

۲. مقایسه

۲.۱. ضمیر

۲.۱.۱. شباهت

معالل فارسی	آوانگاری جمله	جمله زازایی	فارسی	آوانگاری	زازایی
من انجام دادم.	me verešt	م ورشت.	من	me ^۳	م
تو از کجا آمدی؟	te kunje rā ume?	ته کنج را اومه؟	تو	te	ته
او(وی) کجا می رود؟	we še cā?	و شی چا؟	وی	we ^۴	و
ما را چه؟	mā r če?	ما ر چه؟	ما	mā	ما
شما گفتید.	šemā vā.	شما وا.	شما	šemā	شما

معالل فارسی	آوانگاری جمله	جمله زازایی	فارسی	آوانگاری	زازایی
این را بگیر.	'en rā begar.	ان را بگر.	این	'en ^۵	ان
آن را بیار.	'āy rā beyār.	آی را بیار.	آن	yā'	آی
تو چه آوردی؟	te če ārd?	ته چه آرد؟	چه	če	چه
کدام را می گویی؟	kum rā vun?	کوم را وون؟	کدام	kum	کوم
به کجا چنین شتابان؟	te hand laz šin kunjā?	ت هند لز شین کونجا؟	کجا	kunja	کونجا
کی خوابیدی؟	key rākot?	کی راکت؟	کی	key	کی

^۲ برای آوانگاری فرهنگ سخن دکتر انوری در نظر گرفته شده است.

^۳ در زبان زازایی دو ضمیر شخصی منفصل اول شخص مفرد وجود دارد: me و az. در جمله‌هایی با فعل لازم از az و در جمله‌هایی با فعل متعدی از me استفاده می‌شود. (در زمان گذشته)

az šiyâ من رفتم.

me jum šeket من شیشه را شکستم.

^۴ we فقط برای مذکر به کار می‌رود. برای مونث از لفظ دیگری یعنی yâ استفاده می‌شود.

^۵ 'en برای مذکر کاربرد دارد. برای مونث 'ena کاربرد دارد.

۲.۱.۲. تفاوت

زازایی	آوانگاری	فارسی
پیور	peyor	همه
سینین / سینی	sinin/ sini	چگونه
یو یو	yoyo	برخی
یه	ye	آنها، ایشان

۲.۲. صفت

۱.۲.۲. شباهت

زازایی	آوانگاری	فارسی	جمله زازایی	آوانگاری جمله	معادل فارسی
ان	'in	این	این دفتر منو.	'in daftar meno.	این دفتر مال من است.
اوجا	'ujā	اوجا	اوجا را ش.	'ujā rā še.	از آنجا رفت.
اینجا	'injā	اینجا	اینجا سردو.	'injā sard o.	اینجا سرد است.
باری تنک	bāri/ ta- nek	باریک تنک	رار باری را مُش. این کوماش زاف تنکو.	rār-i bāri rā moš. 'in kumāš zāf ta- nek o.	از راه باریک نرو. این پارچه خیلی تنک است.
پر	per	پُر	شیشه ک پر.	šiše ka per.	شیشه را پر کرد.
پونج	punj	پنج	پونج نون و.	punj nun wa.	پنج نان خورد.
تنگ	tang	تنگ	ج م تنگو.	je me tang o.	جای من تنگ است.
توژ	tuž	تیز	اینا کارد توژا.	'inā kārd tuž ā.	این کارد تیز است.
چار	čār	چار	چار کینا اومه.	čār keynā 'ume.	چار دختر آمدند.
چپ	čap	چپ	چپ چپ مون.	čap čap miyon.	چپ چپ نگاه نکن.
خیراب	xerāb	خراب	فیکیر یه خیرابو.	fikir ye xerāb o.	فکرش خراب است.
د	de	دو	د لاج م است.	de lāj me est.	من دو پسر دارم.
درگ	darg	دراز	چوای درگ را با خوی آرد.	čuwa-yı derg rā ārd.	چوب دراز را آورد.
دور	du ^e r	دور	از رار دور را اومیا.	'az rār-i du ^e r rā 'ume yā.	من از راه دور آمده ام.

معادل فارسی	آوانگاری جمله	جمله زازایی	فارسی	آوانگاری	زازایی
این چوب راست است.	'in čuva rāšt ā.	این چوو راشتا.	راست	rāšt	راشت
من راست گفتم.	me rāšt vā.	م راشت وا.	راست	rāšt	راشت
در طرف راست من بایست.	'in per-e rāšt-e me vinder.	این پر راشت م ویندر.	راست	rāšt	راشت
من برای این پول گزافی دادم.	Me ene r zāf pare dā.	م زاف پر دا.	گزاف	zāf	زاف
آب سرد نخور.	okā sard mo.	اوکا سرد م.	سرد	sard	سرد
این کارد کند است.	'inā kārd kone yā.	اینا کارد کنه یا.	کند	kone	کنه
این خانه خیلی کهنه و قدیمی است.	'in bun zāf ke-hun.	ان بون زاف کهنون.	کهنه	kehun	کهنون
هوای گرم را دوست ندارم.	hevā- vu garm rā has nakan	هوا و گرم را حث نکن.	گرم	garm	گرم
با گرز گران او را زد.	pe gorz-ā gerun dā pure.	پ گرز ا گرون دا پور.	گران	gerun	گرون
ما این حیوان نر را کشتیم.	mā 'in heyvān-o ner rā kešt	ما این حیوان نر را کشت.	نر	ner	نر
مدرسه نزدیک است.	maktab nizdi yo.	مکتب نزدیو.	نزدیک	nizdi	نزدی
لباس نو را پوشید.	kinj nava rā gerot perā.	کینج نوه را گروت پرا.	نو	nawa	نوه
این چیزهای خرد را ببر.	'in čiz-e werde rā bar.	این چیزی ورد را بر.	خرد	werde	ورد
این هیزم خشک را نیاور.	'in 'izem wešk rā miyā.	این ایزم ویشک را میا.	خشک	wešk	ویشک
من خیس شدم. این چوب تر است.	'az biyā hi. 'in čuva tern ā.	از بیا هی. این چوا ترنا.	خیس، تر	hi, tern	هی، ترن
من یک کتاب خریدم.	me yo ketāb ernā.	م یو کتاب ارننا.	یک	yo	یو

۲.۲.۲. تفاوت

زازایی	آوانگاری	فارسی
آی	'āy	آن
آی بین	āy bin	دیگر
بنه	bene	کمی
پیل	pil	بزرگ
سایه	sāya	صاف، هموار
قالن	qālen	کلفت
کیلیم	kelm	کوتاه
گولر	gular	گرد
لایمن	lāymen	کثیف
ورین	varen	پهن
هلیسیا	halisā	پوسیده
هول	hōl	خوب
هیره	hire	سه

۲.۳.۲. اسم

۲.۳.۱. شباهت

زازایی	آوانگاری	فارسی	جمله زازایی	آوانگاری جمله	معادل فارسی
استه	asta	استخوان	استه م دجون.	asta-ya men dajun.	استخوانم درد می-کند.
آدر	'āder	آتش	آدر را هون کر.	'ādir rā hun ker.	آتش را خاموش کن.
آسپج	āspij	شپش	ساره یه پیر آسپچه.	sāre ye pır āspije.	سرش پر از شپش است.
آستاره	āstare	ستاره	انا شو آستاره چینی.	'inā šo āstare čini.	امشب ستاره نیست.
آسمن	āsman	آسمان	هر جا د آسمن یو رنگو.	har jā d āsman yo rango.	آسمان هر جا یک رنگ است.
آو	'ow	آب	ما او را لیل نکین.	mā 'ow rā leyl nakin.	آب را گل نکنیم.

معادل فارسی	آوانگاری جمله	جمله زازایی	فارسی	آوانگاری	زازایی
بابک آمد.	bāwk 'ume.	بابک اومه.	بابک	bāwk	بابک
این بار را به پشت بگیر.	'in bār rā begar pāšt.	این بار را بگر پشت.	پشت	pāšt	پاشت
پایت را دراز نکن.	pāy-e xowa darg meker.	پای خوه درگ مکر.	پا	pāy	پای
پر گنجشک ریخته است.	perr milček č kowt.	پر ملچک کوت.	پر	perr	پَر
بالش شکست.	pal ye šikā.	پل ی شکا.	بال	pal	پل
پوست گاو را کردند.	poasta-ye gā rā vat.	پوسته ی گا را وت.	پوست	poasta	پوسته
تخم این گل را از ایران آورده است.	toxm-e 'in vel 'irun rā 'ārd.	تخم این ول ایرون را آرد.	تخم	toxm	تخم
سر صبح جگر سیاه خوردیم.	ser sibāy mā jigar siyā we.	سر صبای ما جگر سیا و.	جگر سیاه	jigar siyā	جگر سیا
این زن ناخوش است.	'inā jeni neveš ā.	اینا جنی نوشا.	زن	jeni	جَنی
زن من، دختر عمومی من است.	jeni-ye me xāl keyne-ye men ā.	جَنی م خال کینئ منا.	زن ^۶	jeni	جَنی
دختر چشم سیاه آمد.	keynā-y čem siyā 'ume.	کینا چم سیاه اومه.	چشم	čem	چم
هم چوب را خوردیم هم پیاز را.	mā ham čuva va ham piyonz.	ما هم چوا و هم پیونز	چوب	čuva	چوا
حیوان را اذیت نکن.	heyvun rā aziyat makir.	حیوون را اذیت مکر.	حیوان	heyvun	حیوون
اینجا پر از دار و درخت است.	'etyā har cā dārun.	اتیا هر جا دارون.	دار	dār	دار
دست بچه را بگیر.	dast-e kič rā begar.	دست کچون را بگر.	دست	dast	دست
دندانم افتاد.	dendun me kowt.	دندون م کوت.	دندان	dendun	دِندون

^۶ به معنی همسر

زازایی	آوانگاری	فارسی	جمله زازایی	آوانگاری جمله	معادل فارسی
دو	do'e	دود	دو هرجا را گروت.	do'e har jā rā girot.	دود همه جا را گرفته است.
دیک دایه	deyk, dāye	دایه	دایه ی مِ شِتِ دا مِ.	dāye me šit dā me.	دایه ام به من شیر داد.
رار	rār	راه	رار کَ ویند.	rār ka vind.	راه را گم کرد.
راسنه	rāsna	ریسمان	پِ راسنه بست.	pe rāsna bast.	با ریسمان بسته بودند.
روچ	ru'eč	روز	روچ ویرت.	ru'eč viyart.	روز گذشت.
رون	run	روغن	ایننا نون را بیه رون پیچ.	'inā nun rā biya run poj.	این نان را بدون روغن بیچ.
روه	ro'e	رود	روه د آسناو بکر.	ro'e d āsnāv bekir.	در رود شنا کن.
ریچک	reček	ریشه	ریچک ایننا دار بِ وشک.	reček-a 'inā dār ba wešk.	ریشه این درخت خشک شده است.
زانو	zānu	زانو	زانو مِ بیِ وشک.	zānu me bi wišk.	زانوم خشک شده است.
زرد	zard	زرد	زردی مِ ترا.	zardi-ye me to rā.	زردی من از تو.
زون	zun	زبان	زون یِ گیره بست.	zun ye gira bast.	زبانش بند آمد.
ساره	sāra	سر	ساره مِ شیکا.	sāra me šikā.	سر م شکست.
سپی	sepi ^e	سپید	پِ شوی سیا سپیا.	pe šo-ye siyā sepi ^e yā.	پایان شب سپید است.
سر	sar	سال	یو سرو ته نومه.	yo sar o te nome.	یک سال شد که تو نیامدی.
سنه	sana	سینه	پِ دست دا سنه یِ ی.	pe dast dā sana-ye ye.	با دستش زد به سینه اش
سُور	so ^e r	سرخ	سوری تو مرا.	so ^e r-e to marā.	سرخ تو از من.
سیا	siyā	سیاه	هر جا سیا ب.	har jā siyā be.	همه جا سیاه بود.
شو	šo	شب	شو را مترس.	šo rā matars.	از شب مترس.
علف	'alaf	علف	حر علف وون.	har 'laf wun.	خر علف می خورد.

معادل فارسی	آوانگاری جمله	جمله زازایی	فارسی	آوانگاری	زازایی
قلبش را عمل کرد.	kalb ye 'ma- liyāt kard.	قلب ی عملیات کرد.	قلب	kalb	قلب
این سیب کرم دارد.	'inā sāyi d kārm 'ost.	اینا سایه د کرم أست.	کرم	kārm	کرم
من به قلۀ کوه رفتم.	'az siyā lave ko'e.	از شیا لو کو.	کوه	ko'e	کَو
گوشتش را کشید.	guš-e ye kāš ka.	گوشت ی کاش که.	گوشت	guš	گوشت
گوشت را پخت.	goašt pot.	گوشت پوت.	گوشت	goašt	گوشت
خون آن ها سرخ تر است.	goen yen hinā sor a.	گون ین هینا سورا.	خون	goen	گون
لنگت را بکش کنار.	lingun xowa kāš ker.	لینگون خواه کاش کِر.	لنگ	ling	لینگ
از مار می ترسم.	az mār rā tar- san.	از مار را ترسن.	مار	mār	مار
هوا مه است.	havā maxon.	هوا مخون.	مه	max	مخ
مردم جمع شده‌اند.	mardem 'uma pasar.	مردم اومه پسر.	مردم	mardem	مردم
مرد من خوب است.	marda me hol.	مرده م هول.	مرد	marda	مرده
مویش سفید شده است.	muy-e ye bi sepi.	موی ی بی سپی.	مو	muy	موی
میوه مفید است.	meyva hol.	میوه هول.	میوه	meyva	میوه
ناختان را بگیرد.	nangun xowa jerā ker.	ننگون خواه جِرا کِر.	ناخن	nangu	ننگو
نام شما چیست؟	num-e šomā čināv?	نوم شما چناو؟	نام	numa	نومه
باد می آید.	vā ume.	وا اومه.	باد	vā	وا
زیر باران باید رفت.	garak bin vārun šer.	گرک بین وارون شِر.	باران	vārun	وارون
چه گل خوشبویی.	če velā boyā weš.	چه ولا بويا وش.	گل	vel	ول
برف سفید است.	vor sipi yā.	وور سپی یا.	برف	vor	وور

فارسی	آوانگاری	زازایی
شاخ	'estri	استری
ماه	āšm	آشم
دم	bo ^o č	بج
روده	bumbār, ro'aqle	بومبار / روقله
کودک / بچه	pu ^t qij	پت / قیچ
برگ	pal	پل
شکم	piza, mašk	پیزه / مشک
یخ	jamad	جمد
دریا	dengiz	دنگز
خورشید	ro ^a], tinj	رج / تینج
بینی	zinj	زینج
نمک	su ^a l	سوال
زمین	'ard	عرد
دهان	fakk	فک
شن	quem	قوم
پوست درخت	kabuk-e dār	کابوک دار
سگ	kutek	کتک
خارا	karrā	کرا
جنگل	gam	گم
دریاچه	go ^a l	گول
ماهی	māsā	ماسا
گردن	mel	مل
پرنده	melček	میلچک
خاکستر	wal	ول
تخم مرغ	hāk	هاک
گرد	har	هر

فارسی	آوانگاری	زازایی
ابر	hor	هور
سبز	yašel	یشل

۴.۲. مصدر

۴.۲.۱. شباهت

زازایی	آوانگاری	فارسی	جمله زازایی	آوانگاری جمله	معادل فارسی
استردیش	astardeš	ستردن	دیس استرد.	diyas astard	دیوار را سترد.
اشناویتیش	'ešnāweteš	شنفتن	تو اشناویت و سه؟	to 'šnāwet vā sa?	تو شنفتی چه گفته؟
اومیش	'umayeš	آمدن	اومه جون م قربون ته چرا این ک؟	'ume jūn me qırbun te çerā 'in ke?	آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟
آسناو کردیش	āsnāw kar- deš	شنا کردن	آسناو کردیش سربستا.	āsnāw kardiš sarbastā	شنا کردن آزاد است.
آسناو کردیش	āsnāw kar- deš	شناور شدن	دارها سر اوک د آسناو کنا.	dār hā ser ok de āsnaw kanā.	تخته روی آب شناور است.
آگرییش	'āgerāyeš	برگشتن	پارک را آگرا.	pārk rā 'āgerā	از پارک برگشت.
برناییش	barnāyeš	بریدم	م دست خو برنا.	me dast-e xo'e barnā.	دست خودم را بریدم.
بستیش	basteš	بستن	آو راسنه بست.	āw rāsna bast	آن ریسمان را بست.
بو کردیش	bu ^e kardeš	بو کردن	کتک بو کرد.	kōtek bu ^e kard.	سگ بو کرد.
پای ماندیش	pāy mandeš	سر پا ماندن	ما پیور روچ ما پای مند.	mā piyor ruac pāy mend	تمام روز ما سر پا ماندیم.
پف کردیش	pef kardeš	پف کردن	چلی را پف ک.	čeley rā pef ka.	چراغ را پف کرد.
ترساییش	tarsāyeš	ترسیدن	مترس ازها تیا.	matars.'az hā tiyā.	نترس. اینجام.

زازایی	آوانگاری	فارسی	جمله زازایی	آوانگاری جمله	معادل فارسی
جمدیش	jamadiyeš	منجمد شدن	اوک جمديه.	ok camadya	آب منجمد شد.
داییش	dāyeš	دادن	م پیور دن خو دا.	me piyor den xu dā	من تمام قرض خودم را دادم.
درگ بیاییش	darg beyāyeš	دراز کشیدن	بایک ته ب درگ.	bāyk te be darg	بابات دراز کشیده است.
دییش	diyeš	دیدن	ی م دی.	ye me di.	او مرا دید.
رار شیش	rār šeyeš	راه رفتن.	هر روچ یو ساعت رار شون.	har roec yo sā'at rar šun	هر روز یک ساعت راه می-رود.
رو نشتیش	runešteš	نشستن	اتاد رو نش.	'etād runiš	تو اینجا بشین.
زونایش	zunāyeš	دانستن	از ذون تو ها چا د؟	'az zun te hā čā d?	من می‌دانم کجا هستی؟
شتیش	šeteš	شستن	دست و روی خو را بوش.	dest o ruy xu rā buš	دست و روی خودت را بشوی.
شمیتش	šemeteš	آشامیدن	وردیش و شمیتیش یاساخ.	wardeš o šemetiš yāsāx.	خوردن و آشامیدن ممنوع.
صید کردیش	seyd kardeš	صید کردن	صید کردیش یاساخ.	seyd kardiš yāsāx.	صید کردن ممنوع است.
غوغا کردیش	gowgā kar- diš	غوغا کردن	غوغا مکین.	gowgā ma- kin.	غوغا نکنید.
فرییش	fırrāyeš	پریدن	ملچیک فری.	melček ferre	پرنده پرید.
فکر کردیش	fekr kardeš	فکر کردن	ویندر از فکر بکر وون.	vender az fekr bekir vun.	بگذار فکر کنم بگویم.
کاش کردیش	kāš kardeš	کشیدن	حند کاش مکر قرفون.	hand kāš mekır, qar- fun	این قدر نکش پاره می‌شود.
کشتیش	kešteš	کشتن	ین فکیر را کشت.	'ın fakir rā kışt.	بیچاره را کشتند.
کندش	kandeš	کندن	ارض را کند.	'ard rā kand.	زمین را کند.

زازایی	آوانگاری	فارسی	جمله زازایی	آوانگاری جمله	معادل فارسی
گاز کردیش	gāz kardeš	گاز گرفتن	ماری را گاز ک.	mār ye rā gāz ka.	ماری او را گاز گرفت.
لته کردیش	lata kardeš	لت و پار کردن	بدنی ک لته لته.	badan ye ka lata lata.	بدنش را لت و پار کرد.
ماسییش	māseyeš	آماسیدن	دست م ماسا.	dest me māsā	دستم آماسید.
مالیشنایش	mālisnāyeš	مالیدن	دست خو مالیشنا.	dest xu mālesna	دست‌هایش را به هم می‌مالید.
مردیش	mardeš	مردن	بایک م مرد.	bāyk me mard.	پدرم مرد.
نفس گروتش	nafas geroteš	نفس گرفتن	نفس بگر بعجه شو بین اوک.	nafas begar ba'je šo'e bin 'ok.	نفس بگیر بعد برو زیر آب.
واتیش	vāteš	گفتن.	واج.	vāj	بگو.
وردیش	wardeš	خوردن	م چیک نورد.	me čik na- ward.	من چیزی نخوردم.
ومباردن	wembārdeš	شماردن	مشنا ومبارد.	mašne wambārt	میش‌ها را شمرد.
هلنایش	holnāyeš	هل دادن	ماسا را هلنا اوجا.	māsā rā holna ujā	میز را به آنجا هل دادند.

۲.۴.۲. تفاوت

زازایی	آوانگاری	فارسی
اشتیش	'esteš	انداختن
آلی اشت	āli ešteš	تف کردن
پوره دیش	pu ^e ra deyeš	زدن
تپشتیش	tapešteš	نگه داشتن / رفتن
دشتیش	dešteš	دوختن
دیر واتیش	deyr vāteš	سرودن
راکوتش	rākoteš	خوابیدن
قلبنا	qalabnayeš	استفراغ کردن
کتیش	koteš	افتادن

زازایی	آوانگاری	فارسی
کی کردیش	key kardeš	بازی کردن
مالیزنایش	māliznāyeš	له کردن
مالیسنا	mālisnāyeš	مکیدن
وار کردش	wār kardeš	فرو کردن
وشایش	vašāyeš	سوختن
وییش	weyeš	خندیدن

۲.۵. حرف

۲.۵.۱. شباهت

زازایی	آوانگاری	فارسی	جمله زازایی	آوانگاری جمله	معادل فارسی
اگر	agar	اگر	اگر تو اومه از ها ایتا دا.	agar tı ume az hā eyta dā	اگر تو بیایی، من اینجا هستم.
په	pe	با	په قلم بنس.	pe qalam benes	با قلم بنویس.
ده	da	در	پوت کیه ده مند.	put keya d mand	پسر در خانه ماند.
و	o	و	دفتر و قلم را بیار.	daftar o qalam rā beyār	دفتر و قلم را بیار.

۲.۵.۲. تفاوت

زازایی	آوانگاری	فارسی
اینه سور	ene so ^o r	برای این که

۲.۶. شبه جمله

۲.۶.۱. شباهت

زازایی	آوانگاری	فارسی	جمله زازایی	آوانگاری جمله	معادل فارسی
نه	na	نه	نه. نشین.	na, nešen	نه. نمی روم.

۳. نتیجه

از بین ۲۰۷ واژه فهرست سوادش ۱۴۱ واژه مشترک و ۶۶ واژه غیرمشترک در بین این دو زبان وجود دارد. بنابراین بین زبان زازایی و زبان فارسی از میان واژه‌های فهرست سوادش ۶۸ درصد واژه‌های مشترک وجود دارد. براساس جدول مذکور، زمان تقریبی جدایی این دو زبان از یکدیگر به ۱۲۸۰ سال پیش، یعنی در حدود اوایل قرن دوم هجری شمسی بازمی‌گردد..

منابع

Grûba Xebate ya Vateyî, *Kirmancca (Zazaca)-Türkçe Sözlük*, İstanbul, Vate, 2009.

Harun Turgut, *Zazaca-Türkçe Sözlük*, İstanbul, Tij, 2011.

Mehmet Aydar, *Zazaca-Türkçe Sözlük*, İstanbul, Doruk, 2003.

Morris Swadesh, *The Origin and Diversification of Language*, London, Routledge&Kegan Paul, 1972.

حسن انوری، فرهنگ روز سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۳